

## یار بود خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

ماه آبان امسال سه مجمع علمی همراه داشت که هر سه در خور توجه بود: کنگره‌ای در باب تاریخ ایران پیش از هخامنشی، کنگره‌ای در باب فردوسی و فرهنگ ایران - که این هر دو زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر برافه افتاده بود و لابد در باب نتایج آن آنچه باید بگویند خواهند گفت - مجمع سوم، جلسه‌ای بود که بیاد بود خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر و مورخ عصر مغولی فراهم آمد، این مجمع را وزارت علوم و دانشگاه تهران و دانشکاه تبریز اداره میکردند و ایرج افشار «کنگره‌آرای» آن بود.

یک هفته تنی چند از اهل تحقیق داخلی و خارجی برگردم نشستند و مقالاتی در باب خواجه رشید خواندند و رویهمرفته نتیجه آن بیشتر از آن بود که انتظار میرفت و خرج آن ظاهراً کمتر از آن بود که اقتصفا میکرد.

اینکه چرا قرعۀ بزرگداشت درین سال به نام خواجه رشید خورده بود بنده گفتگوئی ندارم و آرزویم اینست که هر که درین ملک قلمی یا قدمی زده که خیر جامعه در آن بوده بهر حال روزی نامی از او به میان آید، مسأله مهم این است که این بزرگداشت اگر به خاطر خواجه رشید بود، بل دو نتیجه دیگر هم داشت: نخست اینکه ما شناختیم مردانی را که در گوشه و کنار دنیا نه به خاطر پول و نه نام و نه از ترس خواجه، عمر خود را صرف تحقیق در آثار او کرده‌اند، از آن میان فی‌المثل آقای کارل یان راتوان نام برد که سالهاست به تحقیق و طبع جامع‌التواریخ پرداخته (از سال ۱۹۴۰م) و هم امروز در سنین بالا بازم مشغول طبع قسمت چین و هند جامع‌التواریخ است، مردی است اهل چکوسلواکی مقیم هلند، باقی‌افشای شبیه وایکینکاها، و خدامهر رشیدالدین را دردش افکنده است! آیا میتوان در خدمت خالصانه او تردید کرد؟ یا آقای اشپولر خاورشناس آلمانی یا آقای بویل انگلیسی یا آقای علی‌زاده باکویی و بالاتر از همه مستر کنت لوتر آمریکائی جوان به سال تازه و به خردپس، خود به چه امید و به چه آرزو دل در جامع‌التواریخ بسته‌اند؟ این خود نکته‌ای است که باید در جاذبه رشیدی جستجو کرد.

نکنه دوم آنکه ما دانستیم که با وجود چند صد سال سابقۀ عناد و کدورتی که بر خاورمیانه سایه افکنده است، بازم هستند نقاط اتکاء و پایگاههای معنوی که دلهای ترک و تازی و هندو و عرب را بهم پیوند می‌دهند، و این خود نکته‌ایست قابل توجه و در خور امعان نظر.

ما و همسایگان بهر حال اگر دردها و وجه افتراق داشته باشیم بازم صدها وجه اتحاد در میان داریم که هر یک از آنها کافی است جان‌های مردان خدا را بهم متحد کند. کار به سیاست بی‌پدر و مادر نباید داشت، این سیاست سالهاست که میکوشد همه را از هم برماند: خطا این یکی را از زبان آن یکی جدای کند، زبان این را با آن بیگانه میسازد، و مرز این یکی را با آن یکی درهم

میریزد و از میان صدهزار فتنه برمی‌انگیزد. اما هنوز هم بوی آشنایی هست. این ممکن است که مردم افغانستان نصف مجلات خود را به زبان پشتو بخوانند و نصف دیگر به زبان پارسی، اما آیا میشود هنگامی که مرضیه مشغول خواندن غزل حافظ است، جلوی سر و گویا را گرفت و از بوسیدن دهان مرضیه ممنوع ساخت؟<sup>۱</sup>

ترکیه ممکن است که قرن‌ها خط خود را بجای فارسی خط لاتین نگاهدارد، ولی آیا برای او امکان دارد که از دیوان فارسی سلطان سلیم پادشاه مقتدر خود که به پارسی شعر میگفت چشم ببوشد و آنرا کنار بگذارد؟ در همین مجمع، عثمان توران دانشمند ترك شرت داشت و در باب درشیدالدین فضل‌الله و تاریخ ملل تركه، باشکوه و جلال تمام به زبان فرانسه سخن گفت، اما همین عثمان توران مصحح «مسامرة الاخبار» است و کتاب را به فارسی چاپ کرده، منتهی ناچار شده حواشی را به خط لاتین و به زبان ترکی بنویسد. آیا انجمن تاریخ ترك می‌تواند و حاضر است از چاپ چنین کتابی که به زبان فارسی است چشم ببوشد؟

مامی دانیم که شاه اسماعیل اول به زبان ترکی شعر می‌گفت، و بازمی‌دانیم که وقتی علیقلی بیك به حضور شاه سلیمان آمد، شاه سلیمان به او گفت: خوش گلدی صفا گنبردی، هم چنین می‌دانیم که محمود افغان وقتی به شاه سلطان حسین رسید، به فارسی صریح صحبت کرد و سلام و علیک این دو به فارسی صورت گرفت.<sup>۲</sup>

و باز می‌دانیم که نادرشاه وقتی در دشت مغان تاجگذاری کرد و از اکناف عالم برای تبریک به حضور او آمدند، هنگام ملاقات با خلیفه، ارامنه نادرشاه چنین احوالپرسی کرد: خوش گلمیرسن خلیفه، یا خچیسن، چاقسن، یولدا آزار. چکمیشسن، اشدان زردان چون بیر اختیار کیشسن، چو خدن گلمیرسن؟<sup>۳</sup>

صفویه و نادر به ترکی حرف زده‌اند و محمود به فارسی، من نمیدانم اگر کانال سفر را هم در اختیار ما بگذارند آیا حاضر خواهیم شد جملات نادر و اشعار شاه اسماعیل یعنی دیوان خطائی را از تاریخ و ادب خود بزدانیم؟ و یا اگر ما چندتا از جاهای نفت مسجد سلیمان را به ابدالیها بدهیم آنها حاضرند واقعه بر خورد و سخنان محمود را از تاریخ خود حذف کنند و یا چند جمله پشتو جای آن بگذارند؟

شاید عوارض سیاسی ایجاد کند که به فرض محال، يك روز، عرب باقیمانده کاخ کسری را با خاک یکسان کند، ولی آیا هرگز حاضر خواهد بود که قصیده معروف بحتری در وصف مدائن از دیوان او، و یا مسند بخاری از مکتب فرهنگ اسلامی محو و حذف شود؟ وقتی قرار باشد ریشه و جای پای امپراطوری عظیم ترك و مغول را در جامع التواریخ

- ۱- این دانشمند بزرگ افغانی سال پیش مرحوم شد، پیرمرد در کنکره باستان‌شناسان وقتی مرضیه شعر حافظ را خواند چنان تحت تأثیر قرار گرفت که از جای بلند شد و روی سن رفت و دهانش را غرق بوسه کرد.
  - ۲- رجوع شود به کتاب سیاست و اقتصاد صفوی تألیف نگارنده ص ۳۴۸ و ۲۵۹
  - ۳- یعنی خلیفه جان خوش آمدی! چطور می‌خوب هستی؟ سلامتی؟ زحمت زیاد زمستان را در راه متحمل شده‌ای پیرمرد؟ خیلی وقت است آمده‌ای؟
- (یادداشت‌های ابراهام گاتوغی کرس ص ۷۰)

وراحه الصدور و تاریخ محمد بن ابراهیم جستجو کنند و این کتابها همه به فارسی است، عناد با زبان فارسی به بهانه‌های ناسیونالیستی موجه به نظر نمی‌رسد! زبانی که تنها تذکره شعری کشمیرش پنج جلد پانصد صفحه‌ای شده است ۱.

مضافاً اینکه به قول ویل دورانت: نژادها تمدن زانمی سازند، این تمدن است که نژادی و ملتی را هستی می‌بخشد، و همه ما بخوبی می‌دانیم که تمدن خاورمیانه را همه ملل خاورمیانه به وجود آورده‌اند، سهم هیچکس بیشتر از دیگری نیست. ما که به نوبه خود هوگر به بهانه‌های سیاسی از فرهنگ و تمدن گذشته خود قهر نمی‌کنیم، و به فرض محال اگر زبان عربی از صفحه جهان هم محو شود، هرگز حاضر نیستیم از آثار الباقیه و مآللهند بیرونی که به زبان عربی است چشم‌پوشیم. دیگران خود دانند!

با این مقدمات، گمان من آنست که هنوز وسایل و مواد اصلی تفاهم فرهنگی مشترک میان ملل خاورمیانه از میان رفته‌است و کاش روزی سیاست نفاق افکن، توجه خود را به این منبع عظیم فرهنگی مشترک معطوف سازد و وسایل همدلی هم‌زبانان قدیم رافراهم نماید.

\*\*\*

خواجه رشیدالدین فضل‌الله یکی از این وجوه مشترک است. او طیب بود و با این وسیله به درگاه خان مغول تقریب جست و تا مرحله وزارت رسید و بر کشوری از حوالی جیحون تادپار مغرب و از رود «ترک» تادریای پارس وزارت کرد و سپس تاریخی نگاشت - یا برایش نگاشتند - که امروز یکی از منابع کلی تاریخ همه ملل و کشورهایی است که هر یک برای خود جداگانه کیا و بیایی دارند و فلسفه تاریخی برای خود می‌جویند.

بیخود نبود که استاد زکی ولیدی طوغان اصرار داشت خواجه رشید را بیش از آنکه مورخی ایرانی و همدانی‌الاصل بشناسد یک مورخ بین‌المللی بداند، و مقام او را از اختصاص به یک کشور به مرحله جهانی بالا ببرد. این استاد حق داشت، زیرا شخص طوغان اگر تاریخچه همان جمهوری قلم‌اقستان را هم (که روزی ریاست جمهوری آنرا داشت و بعد از تسلط کمونیست‌ها ناچار شد از آن چشم‌پوشد و به ترکیه پناه برد) میخواست بنویسد ناچار از هم می‌بایست از قسمت تاریخ ترک خواجه رشید استفاده جوید و جالبتر از آن اینکه همین استاد سالخورده با اینکه سخنرانی خود را به زبان انگلیسی شروع کرد، اما کم‌کم ناچار شد قسمت دوم آنرا به زبان ترکی و بالاخره قسمت آخر آنرا به زبان فارسی ایراد کند!

\*\*\*

جلسات خواجه چهار روز در تهران و دوازده روز در تبریز برقرار بود، صبحها از ۸/۵ تا ۱۲ و عصرها از ۳ تا ۶ و درین مدت علاوه بر پیامهای رسمی و خطابه‌های تشریفاتی ۲ پس از آنکه استاد محبتی مینوی به ریاست کنگره و حق بجای خویش نشست، این جمع به سخنرانی پرداختند:

اشپولر - برتولد، سیاست رشیدالدین.

۱ - این تذکره را آقای حسام‌الدین راشدی دانشمند پاکستانی به چاپ رسانده‌اند.  
۲ درین میان تنها نطق وزیر علوم و آموزش عالی بود که از جنبه تشریفاتی خارج شد و اطلاعاتی بسیار دقیق و جالب در برداشت.

افشار - ایرج ، یزد و رشیدالدین .

باستانی پاریزی - محمد ابراهیم ، داستانهای جامع التواریخ (در تبریز)  
بوئل جان ، اهمیت تاریخ رشیدالدین در تحقیقات مربوط بمغول .

بیانی - شیرین ، بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال جامع التواریخ .  
توران - عثمان ، رشیدالدین فضل الله و تاریخ ملل ترك .

حبیبی - عبدالحی ، روزگار و آثار و شخصیت نیکوکار رشیدالدین .  
دانش پژوه - محمد تقی ، سوانح الافکار رشیدی .

زریاب خوئی - عباس ، نکاتی درباره زندگی رشیدالدین (در تبریز) .

ستوده - حسینقلی ، عواید و درآمدهای خواجه رشیدالدین و کیفیت مصرف آن .  
سلیم - غلامرضا ، تعلیم و تربیت در ربیع رشیدی .

شهیدی - جعفر ، سبک نثر فارسی رشیدالدین .

طوغان - زکی ولیدی ، آثار فلسفی و اجتماعی رشیدالدین .

علی زاده - عبدالکریم ، آثار رشیدالدین در اتحاد جماهیر شوروی .

فروزانفر - بدیع الزمان ، بعضی اطلاعات تازه درباره رشیدالدین .

لوتر - کنت ، سلجوقنامه و جامع النواریخ (در تبریز) .

محقق - مهدی ، رشیدالدین در دفاع از غزالی طوسی .

محیط طباطبائی - محمد ، سیاست رشیدالدین (در تبریز) .

مرتضوی - منوچهر ، تبریز در عهد رشیدالدین (در تبریز) .

مشکور - محمد جواد ، ربیع رشیدی .

مینوی - مجتبی ، تنکسوق نامه .

نصر - سید حسین ، اهمیت رشیدالدین از لحاظ تاریخ فلسفه و علوم اسلامی .

نظامی - خالق احمد ، رشیدالدین و هند .

یان - کارل ، آشنائی مغرب زمین بارشیدالدین .

یوسفی - غلامحسین ، انعکاس اوضاع اجتماعی در آثار رشیدالدین .

مجمع علمی و تحقیقاتی درباره رشیدالدین فضل الله همدانی با ما را متوجه يك نکته اساسی کرد: تخصص ، آنچه که امروز در ایران نیست و یا اگر هست اندک است . تاریخ ایران متخصص می خواهد ، تا وقتی که دکتر در تاریخ اسلامی باید درس دوران ماد بدهد و تازمانی که مدرس عصر هخامنشی مجبور است برای عصر مغول کنفرانس تهیه کند و تا روزگاری که معلم تاریخ دانشگاه ناچار باید « جعبه هزارپشه » باشد ، کار علمی به معنای واقعی درین مملکت مجال است . ما بیش از ۱۷۰ سال تاریخ مدون قبل از اسلام داریم و حقاً می بایست اقلاً ده تن متخصص ایرانی درین رشته در جشنهای شاهنشاهی شرکت کنند ، مطالعه آرشیوهای تاریخ اسلامبول که مربوط به دوست سیمصدسال اخیر تاریخ ایران است لااقل سه نفر حاضر یراق می خواهد که شب و روز کار کنند و مسائل مربوط به صفویه و قاجار را از آن استخراج و مدون کنند ، همین انبار پوسیده های وزارت خارجه و دارائی و بیوتات خودمان چیزها دارد که هنوز معلمان تاریخ رنگ آنها را ندیده اند ، تنها خواندن يك دوره کامل همین

جامع التواریخ يك متخصص مكمّل می خواهد ؟ این متخصصان کی و چگونه و در طی چه سالهائی باید تربیت شوند ، معلوم نیست و چه دستگاہی می تواند به این امر اقدام کند . من نمیدانم . من فقط این را می دانم که خودم چیزی نمیدانم ! و از پر حرفی هائی که بعضی اوقات می کنم بنظر میرسد که همین راهم نمیدانم !

\*\*\*

جلسه افتتاح ، در سالن ابن سینای دانشکده پزشکی شروع شد ، شاید برای اینکه خواجه رشید قبل از هر چیز طبیب بوده است . جلسات بحث دیگر در دانشکده ادبیات تهران بود لابد ازین جهت که جامع التواریخ يك کتاب بزرگ تاریخی و در عین حال ادبی است و خواجہ رشید هم ادیب بود و هم مورخ . جلسات تبریز در سالن دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز فراهم آمد ، این را دیگر لابد باید به حساب ذوق آقای دکتر مرتضوی رئیس دانشکده ادبیات تبریز گذاشت ، چه او بهتر از هر کس میدانست که خواجہ رشید بزرگترین ملاک و زمیندار و کشاورز عصر خود بود! ثروتمنی که آقای دکتر حسینی نقلی ستوده برای خواجہ رشید بر شمرده به قول آقای محیط طباطبائی آدم را به یاد فسانه اونا سیس ورا کفلمی اندازد و وقفنامه ربع رشیدی شامل املاکی بوده است در موصل و مراغه و مرند و اصفهان و شیراز و یزد و بعضی نقاط دیگر ( مثل هندو یمن ) ، و حتی پسر خواجہ رشیدالدین که حاکم بم بود به قول خود خواجہ رشیدالدین « بر متوطنان بم ، آن فرزندان دست قلب دراز کرده و ایشان را در بوته آز ، بر آتش نیاز می گذازاند » و در نامه ای که به مجدالدین پسر دیگرش نوشته میگوید که « هزار بنده ( ۵۰۰ غلام و ۵۰۰ کنیز ) بنام باغ فتح آباد و ۲۰۰ بنده ( ۱۰۰ غلام و ۱۰۰ کنیز ) جز و جمع باغ رشید آباد ثبت گردد » .

بدین طریق گمان من آنست که مناسبت تشکیل مجمع خواجہ در سالن دانشکده کشاورزی تبریز روشن شده باشد . دوز در تبریز برای شرکت کنندگان درین کنگره بسیار خوش گذشت . در بهترین هتل تبریز اطاق داشتیم ، بهترین پذیرایی انجام شد . دختران و پسران دانشجوی که اغلب ترکان پارسی گوی بودند در تجلیل مهمانان صمیمیت بی اندازه داشتند . استادان دانشکده ادبیات که اغلب جوان و در سن خواننده و پر حرارت هستند در هیچ يك از جلسات و بازدیدها ما را ترك نکردند .

روز جمعه در جای خانه دانشکده ادبیات ، وقفنامه عظیم رشیدالدین فضل الله مورد بازدید قرار گرفت . وقفنامه ایست عظیم به صورت کتابی به قطر شاهنامه با خط خوش ، و در صدر آن نیز اشاره شده است که بخط واقف است ولی معلوم است که قسمتهای عمده آن خط دیگر است منتهی خواجہ رشیدالدین جای جای در حاشیه صفحات ، مطلب را تصدیق و تأیید کرده و بالنتیجه ارزش این وقفنامه با خط و امضای او چند برابر شده است .

مجلس خواجہ در پایان نامه خود تصریح کرد که این وقفنامه باید خریداری شود ، استادان فن همچون مینوی و محیط طباطبائی و دانش بزرگ و افشار و دکتر علی اصغر مهدوی ،

۱- از مقاله محمود عرفان در یادنامه دینشاه ایرانی . ۲- حاشیه جغرافی کرمان

ص ۲۲۴ . ۳- پطروشفسکی ، کشاورزی و مناسبات ارضی ایران در عهد مغول ص ۱۴۸

ارزشمند بودن آنرا تأیید کردند ، گویا صحبت از خرید سی چهل هزار تومان شده باشد ولی متولی و دارنده وقفنامه صحبت از چند برابر مبلغ فوق داشته است و بالتبقیجه هنوز خریداری نشده . یکی از رفقا گفت : مگر چه کرده اند که قیمت را اینقدر بالا میگیرند ؟ سندی است مربوط به ایران و باید به جای امنی سپرده شود . گفتم ، البته شاید حرف تو درست باشد ، اما اینرا هم بدان که خانواده ای ششصد و پنجاه سال این کتاب سنگین و قطور را حفظ کرده ، البته ممکن است بگوئید که برای حفظ موقعیت خانوادگی و تولیت وضبط املاک چنین کرده ، اما باید گفت که اولاً چنین نیست ، چون بسیاری از املاک بطور کلی از میان رفته اند و اصولاً بلافاصله پس از مرگ رشیدالدین همه آثار او خراب و قاعاً صصفا گردید ( زیرا مردم عقده پیچارگی و ستمکشی خود را با خراب کردن آثار رشیدی شکافتند ) ، ثانیاً آنکه ، ولو چنین باشد ، درین ششصد سال که بیش از بیست نسل گذشته است ، اینان در برابر همه مهاجماتی که در تبریز شده است ، تنها به حفظ این اثر گرانقدر پرداخته اند : هجوم متعدد عثمانی و به قول صاحبان تواریخ قدیم « رومیه شومیه » چه در عصر صفوی و چه بعد از آن ، مهاجمات تیموریان ، قتل و غارت و مهاجمات روسها ، وقایع مشروطه و درهم پاشیدگی اوضاع آذربایجان ، هر یک ازینها ایجاب میکرد که صدها امثال این اسناد را نابود سازد ، بسا بوده باشند کسانی که نتوانسته اند دختر و فرزندان خود را از چنگ مهاجمان نجات دهند ، ولی به حفظ این ذخیره گرانبها پرداخته ، آنرا خانه به خانه و شهر به شهر همراه برده و حفظ کرده اند ، پس اگر پولی در ازاء آن داده شود کاری عبث نیست ، مضافاً باینکه حتی اگر ۱۵۰ هزار تومان هم به او بدهند ، پول پانصد متر زمین خشک خالی در بیابانهای اطراف تهران بیشتر نخواهد شد !

بهر حال آرزو اینست که این سند برای موزه یا دانشگاه تبریز و یا بهتر از آن برای آرشیو ملی ایران خریداری شود و کاش چنان باشد که این سند گرانقدر به عنوان نخستین سند پایه گذار آرشیو ملی ایران خریداری شود ، و بر اساس آن ، یک آرشیو بزرگ که اساسی ترین مرکز و مرجع اسناد تاریخی خواهد بود فراهم آید ، چنانکه دیگر معالک بزرگ و کوچک دنیا چنین آرشیوهایی دارند .

\*\*\*

ناهار جمعه با سخنرانی تشکر آمیز مستشرقان و همگان تهران پایانی یافت و همه از صمیمیتی که در دانشگاه تبریز دیده بودند شکر گزاری کردند و عصر جمعه عازم تهران شدند و بدین طریق کنگره خواجه رشیدالدین پایان یافت ، آرزوی همه محققان آنست که سخنرانیها و مطالب ایراد شده نیز یکجا چاپ و منتشر شود .

### باستانی یاریزی

مجموعه یغما - کسانی که درباره خواجه رشیدالدین تحقیق می کنند باید از مطالعه تاریخ اولجاتیو تألیف ابوالقاسم کاشانی نیز غفلت نورزند . این شخص مدعی است که جامع التواریخ را او نوشته و قرار بوده دانگی از انعام سلطان را رشیدالدین باو بدهد و نداده و دعوی ها و حرفهای دیگر ....